



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۲/۱۲/۱۸

محمد مُجق

## دشمنی با امام ابوحنیفه، در باره تغییر نام شهر چاریکار

چرا طالبان نام شهر چاریکار را تغییر دادند؟ انگیزه‌ها و علل متعددی برای این کار می‌توان یافت. انگیزه ساده و دم دستی که همه می‌دانند ریاکاری مذهبی است، که گویا از همه کسانی که در هزار و چهار صد سال گذشته در این سرزمین بوده‌اند، این گروه متدین‌تر است.

در نوشته‌ای دیگر توضیح دادم که بنیادگرایان دینی امروز ما با پیامبر و یاران او به رقابت برخاسته‌اند تا آنان را در مسلمانی شکست دهند. پیغمبر و خلفایش هیچ گاهی یک خانم نامسلمان را مجبور نکردند که در حضور شان حجاب شرعی بپوشد، اما طالبان و ملاهای ایران این کار را می‌کنند. این یکی از ده‌ها نمونه‌ای است که رقابت نفسگیر آنان را به نمایش می‌گذارد. آنان عزم خود را جزم کرده‌اند که نشان دهند که حتی پیغمبر هم نتوانست به این پیمان‌ه‌ مسلمان باشد.

نمونه دیگر همین مثال تغییر نام شهرهاست. در تمام فتوحات و لشکرکشی‌های صدر اسلام یک مورد وجود ندارد که آنان نام شهری را تغییر داده باشند، یا کمر به محو پیشینه و هویت فرهنگی سرزمینی بسته باشند.

انگیزه عمیق‌تری که در پس این عمل طالبان است دقیقاً مسئله هویت‌زدایی است. الیور روا، نویسنده مشهور فرانسوی که چندین کتاب در باره گروه‌های بنیادگرا نوشته است، کتابی دارد به نام "روزگار دیانت بی‌فرهنگ" و در این کتاب توضیح می‌دهد که چگونه بنیادگرایان برای به اثبات رساندن خلوص دینی شان کمر به محو فرهنگ‌ها و مدنیت‌ها بسته‌اند.

همفکران داعشی طالبان در موصل و رقه اقدامات متعددی برای محو آثار تمدنی انجام دادند، و بدترین آن‌ها شکستن و نابود کردن آثار باستانی شهر پالمیرا بود که گنجینه‌ای چند هزار ساله از تمدن‌های مختلف را در خود گرد آورده بود. با این کار ضربه‌ای جبران ناپذیر بر پیکره تمدن انسانی وارد شد که هیچ راهی به رفع و رفوی آن نیست. دیگر همفکران شان در لیبیا، مالی، صومالی و مناطقی در افریقا به ویران کردن زیارتگاه‌های چند صد ساله صوفیان و مذاهب اسلامی روی آوردند. دقیقاً همان کاری که پیش‌تر طالبان با مجسمه‌های بودا در بامیان کرده بودند و آثار ارزشمندی از مدنیت‌های باستان را که از سرمایه‌های فرهنگی افغانستان بود نابود کردند. چنان‌که شماری از همفکران طالبان در مصر پس از بهار عربی می‌خواستند ابوالهول و اهرام‌های مصر را از میان بردارند.

از این نظر، طالبان و گروه‌های افراط‌گرای دینی به لشکر ملخ‌ها می‌مانند که با هجوم بر مزرعه سرسبز تمدن انسانی آن را به کشتزار آفت‌زده و سوخته تبدیل می‌کنند. آنان دستاورد های چند هزار ساله تمدن انسانی را در چشم به هم زدن محو و نابود می‌کنند.

نام‌های سابقه‌دار شهرها و منطقه‌ها، با خود تاریخی چند هزار ساله را حمل می‌کند که نام شخصیت‌های مختلف، رویدادهای تاریخی مختلف و ترکیب متنوعی از بافت تمدنی با آن‌ها گره خورده است. تغییر نام چاریکار دقیقاً یکی از این اقدامات هویت‌ستیزانه است.

ارادت به امام ابوحنیفه:

اگر طالبان چنان‌که به دروغ وانمود می‌کنند، می‌خواهند ارادت خود به امام اعظم ابوحنیفه را به نمایش بگذارند، برای این کار راه روشن و بی‌شایبه‌ای وجود دارد. آنان می‌توانند زبان امام ابوحنیفه، زبان فارسی، را زبان اول افغانستان اعلان کنند، تا همه بدانند که این‌ها به راستی به امام ابوحنیفه وفادارند. زبان فارسی زبان قوم و قبیله خاصی نیست و بخشی از میراث فرهنگی و تمدنی تمام اقوام این منطقه از ترک و تاجیک و پشتون تا بلوچ و کرد است، که برای قرن‌ها زبان علم و اندیشه از شبه قاره هند تا آسیای میانه و ایران و ترکیه و شام و مصر و بالکان

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرو مخکي په خیر و لولی

و قفقاز بوده است، و دوشادوش زبان عربی بر پهنه تمدن اسلامی درخشیده است. همه سلاطین بزرگ و ناموری که در تاریخ افغانستان بوده‌اند از طاهر فوشنجی، تا یعقوب لیث‌صفاری، تا اسماعیل سامانی، تا محمود غزنوی، تا غیاث الدین غوری، تا امیر تیمور گورکان، تا احمد شاه ابدالی، نام خود را از طریق حمایت از زبان فارسی و کمک به بالندگی شعر و ادب آن در تاریخ ما جاودانه ساختند. آنان بدون شک این ارادت به زبان فارسی را از امام ابوحنیفه الهام گرفته بودند که نماز خواندن به این زبان را جایز دانست. او تنها مجتهد برجسته‌ای در تاریخ اسلام بود که به دفاع از زبان فارسی در برابر زبان عربی برخاست و هژمونی امویان و عباسیان عربگرا را به چالش گرفت. شما هیچ مجتهد دیگری را پیدا نمی‌کنید که از هیچ زبان دیگری به این سطح دفاع کرده باشد. ابوحنیفه با این اقدام خود راهی از قلب اسلام به احیای فرهنگ و تمدن دیرینه این سرزمین باز کرد. بگذریم از دیگر تلاش‌های علمی و نظری این امام بزرگ برای نهادینه کردن عقلانیت در برابر قشری‌گری دینی و دفاع از حقوق شهروندان غیر عرب و غیر مسلمان.

اگر طالبان به سنت آن شاهان بزرگ و ادب‌پرور روی آورده و زبان فارسی را زبان نخست افغانستان اعلان کنند هم وفاداری شان به امام ابوحنیفه را ثابت خواهند کرد و هم دوری شان از تعصب زبانی و عصبیت‌های تباری را، و این گامی خواهد بود در زمینه اعتمادسازی میان اقوام مختلف این سرزمین. تغییر نام چاریکار نه تنها خدمتی به میراث ابوحنیفه یا احترامی به جایگاه او نیست، بلکه بدترین اهانتی است که تا اکنون به وی شده است. اگر چه ابوحنیفه با دشمنی شدیدی از سوی متعصبان مذهبی در تاریخ رو به رو بود، و او را به بدعت و زندقه متهم می‌کردند، اما حتی سرسخت‌ترین دشمنانش هم نتوانستند او را به این پیمانۀ مضحکه و دستاویز تمسخر و اهانت بگردانند.

امامی که پیشوای بزرگ‌ترین مذهب فقهی در سرتاسر جهان اسلام است، با این اقدام ابلهانه طالبان آماج حجم عظیمی از طنز و هجو شد که در تاریخ سابقه نداشت، و این کار آنان نیت پلیدی را به نمایش گذاشت که برای تطبیق پروژه مدنیت‌سنیزی و هویت‌زدایی در سر می‌پرورند.